

## تعهدات زیست محیطی سرمایه گذاران خارجی

■ سمیه سادات میری لواسانی<sup>۱</sup>

■ حاتم صادقی زبازی<sup>۲</sup>

■ فاطمه حسن پور<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۰۹

### چکیده:

حقوق سرمایه گذاری و حقوق محیط زیست، یک رابطه تعارض در اهداف اما تلاقی در عمل داشته‌اند که هدف یکی منفعت اقتصادی شخصی و هدف دیگر منافع بشری جمعی بوده است اما قلمروی اجرای هر دو حقوق مربوط به یک محیط است. سرمایه گذاری خارجی به اندازه‌ای که برای اقتصاد دولتی منفعت دارد برای شهروندان و مردم بومی و محیط زیست منفعت ندارد. حقوق بین الملل سرمایه گذاری کنونی از سرمایه‌گذاران حمایت به عمل می‌آورد و نه از منافع ساکنین محل سرمایه گذاری. ورود کشورها به بازار رقابتی تجارت بین الملل و ارتقای سطح رفاه جامعه نیازمند جذب سرمایه گذاری خارجی است. سرمایه گذاری خارجی مستقیم واجد فواید دیگری مانند افزایش تولید و صادرات، کاهش بیکاری و انتقال فناوری به داخل کشور است. در این راستا، کشورها برای تسهیل سرمایه گذاری خارجی قوانینی تصویب می‌کنند که هرچند سرمایه گذاران را تشویق به حضور در آن کشور می‌کند، از سوی دیگر، محیط زیست را در بلند مدت به نابودی می‌کشد و سرمایه گذاران خارجی نیز به این موضوع علاقه نشان می‌دهند. نوشتار حاضر با بحث از نحوه تعامل حقوق سرمایه گذاری خارجی و حقوق محیط زیست، سعی در تبیین تعهدات زیست محیطی سرمایه گذاران خارجی و محدودیتهایی که اسناد زیست محیطی بر آنها وارد نموده‌اند، داشته است.

**لغات کلیدی:** اعلامیه استکهلم، اعلامیه ریو، تعهدات زیست محیطی، حقوق بین الملل محیط زیست، سرمایه گذاری خارجی، موافقت نامه سرمایه گذاری

۱- استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، نویسنده مسؤول، [ssadat.mirilasani@gmail.com](mailto:ssadat.mirilasani@gmail.com)، رایانامه:

۲- استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران،

۳- کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی،

□ مقدمه

مسائل ناظر بر تجارت و محیط زیست خصلت چند بعدی و پیچیده‌ای دارند. صرفنظر از آنکه دغدغه‌های زیست محیطی مشکلات متعددی را برای استفاده از منابع طبیعی یک کشور مطرح می‌سازند، می‌توان گفت که مسائل فوق الذکر بر هزینه‌های تولید، الگوی تجارت، مکان یابی فعالیت‌های صنعتی و سرانجام منافع حاصل از تجارت اثرگذار خواهند بود. طی دو دهه اخیر ارتباط میان آزاد سازی تجاری و میزان دستیابی به استانداردهای زیست محیطی و به تعبیری رعایت ملاحظات زیست محیطی در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این موضوع در حوزه اقتصاد نیز با رویکردی خاص مورد توجه بوده و می‌باشد.

با افزایش توانایی‌ها و پیچیدگی‌های حقوق بین الملل سرمایه گذاری و حقوق بین الملل محیط زیست، امکان واحتمال این موضوع که حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بهانه‌ای برای دست اندازی و تجاوز به محیط زیست و یا بالعکس قرار گیرد، توجه تعداد زیادی از علمای حقوق بین الملل را به خود جلب کرد. در سال‌های اخیر تلاش‌ها برای پیوند دادن این دو حوزه مهم از حقوق بین الملل آغاز شده است. مهم‌ترین منبع حقوق بین الملل سرمایه گذاری در حال حاضر موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه گذاری معاهده دو جانبه سرمایه گذاری و حقوق بین الملل عرفی است. از سوی دیگر حقوق بین الملل محیط زیست حقوقی است که از وفاق عمومی نسبی برخوردار است و اسناد مختلفی در این رابطه به تصویب رسیده است.

حدود ۲۰۰۰ موافقتنامه سرمایه گذاری دوجانبه بین دولتها امضا شده است که برخی از آنها به دولتها حق داده تا تدابیری را برای تضمین حمایت از محیط زیست در طی سرمایه‌گذاری تنظیم کنند اما کمتر پیش آمده که شروع به سرمایه‌گذاری منوط به رعایت قوانین زیست محیطی شود؛ موافقتنامه تجارت آزاد میان شیلی و امریکا که تضمین به حمایت از محیط زیست را برای سرمایه‌گذار لازم شمرده است و شورای امور زیست محیطی<sup>۴</sup> میان دو دولت را ایجاد نموده است، و موافقتنامه تجارت آزاد امریکا و استرالیا نیز شفافیت و قابلیت دسترسی داشتن قوانین زیست محیطی را لازم دانسته است، جزو معدود این موارد هستند.

موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری چندجانبه نیز تنها در برخی موارد به آثار زیست محیطی سرمایه‌گذاری توجه داشته‌اند. موافقتنامه امریکای شمالی در مورد همکاری زیست محیطی مصوب ۱۹۹۳<sup>۵</sup> با هدف ارزیابی آثار زیست محیطی تجارت و سرمایه‌گذاری فراملی انعقاد یافت. این معاهده کمیسیون ایجاد نمود تا به ارزیابی زیست محیطی عملکرد نفتا پردازد (بند ۶ ماده ۱۰). این کمیسیون شهروندان را قادر ساخته است تا شکایات خود علیه یک دولت عضو به علت تخطی از حقوق محیط زیست آن کشور را ارائه نمایند. اما این مکانیسم اثرگذاری کافی ندارد به سبب آنکه توصیه‌های این کمیسیون الزام آور نیستند و کشور محکوم می‌تواند با انکار تخطی از اصول زیست محیطی به رفتار

4- Environmental Affairs Council.

5- North American Agreement for Environmental Cooperation

خود ادامه دهد. موافقتنامه تجارت آزاد امریکای مرکزی<sup>۶</sup> نیز در بند ۴ ماد ۱۷ خود دول عضو را ملزم می‌کند قانونگذاری برای حمایت از محیط زیست را تشویق نمایند، اطلاعات زیست محیطی لازم را برای عموم افشا کنند، گزارش دهند و نظارت کنند. منشور انرژی اروپایی<sup>۷</sup> نیز متضمن دو تعهد متوازن است: تعهد به حمایت از سرمایه گذاری خارجی و تعهد به کاهش خسارات زیست محیطی (بند ۱ ماده ۱۹). با این حال هیچ کدام از این موافقتنامه‌ها ارزیابی زیست محیطی سرمایه گذاری خارجی را شرط ورود و آغاز سرمایه گذاری اعلام نکرده‌اند.

مسائلی مانند تعهدات و مسئولیت‌های سرمایه گذاران در برابر توسعه دولت میزبان، رعایت حقوق بشر و محیط زیست به محل بحث و بررسی داوران بین المللی در دعاوی سرمایه گذاری نیز کشیده شده است اما به نظر می‌رسد که اسناد سرمایه گذاری تعهداتی را در جهت رعایت حقوق اجتماعی یا حفاظت از محیط زیست میزبان بر سرمایه گذاران تحمیل می‌کنند. در نوشتار حاضر، ابتدا سرمایه گذاری خارجی مورد تعریف قرار گرفته و با طرح ارتباط محیط زیست و سرمایه گذار خارجی، تعهدات زیست محیطی سرمایه گذاران خارجی را بررسی نموده و امکان طرح مسؤولیت (بین المللی) آن‌ها نسبت به نقض مقررات زیست محیطی دنبال خواهد شد.

### ۱- تعریف سرمایه گذاری خارجی

قبل از ورود به بحث اصلی، به معنی عمومی مفهوم سرمایه در خود کنوانسیون واشنگتن<sup>۸</sup> اشاره می‌کنیم.

عبارت سرمایه گذاری در کنوانسیون، جایگاه محوری دارد. با این حال، کنوانسیون هیچ تعریف یا حتی توصیفی از این مفهوم پایه ارائه نداده است. در جریان بحث‌های تدوین کنوانسیون، چندین تعریف پیشنهاد و بررسی شد ولی در متن نهایی کنوانسیون وارد نشد. با توجه به مجادلات و اختلاف نظرهایی که وجود داشت، تلاش برای ارائه یک تعریف مورد قبول عام، در پرتو الزام اساسی رضایت طرفین، کنار گذاشته شد و تعریف سرمایه گذاری و به واسطه آن، تعیین گستره دقیق صلاحیت مرکز به خود طرفین دعوا واگذار شد. آرون بروشه که معتقد بود شناسایی سرمایه گذاری بسیار آسان‌تر از تعریف آن است، این تصمیم را سازگار با ماهیت اجتماعی کنوانسیون توصیف کرده است. (Broches, 1972, p 362).

فرهنگ لغت حقوق بین الملل، سرمایه گذاری خارجی را اینگونه تعریف کرده است: انتقال وجوه یا مواد از یک کشور (کشور صادر کننده) به کشور دیگر (کشور میزبان) جهت استفاده از تأسیسات یک بنگاه اقتصادی در کشور اخیر در برابر مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم در سود آن بنگاه، چگونگی بهره گیری از این وجه در اداره یک بنگاه اقتصادی، وجه تمایز سرمایه گذاری خارجی از «تجارت

6- Central American Free Trade Agreement

7- ECT

۸- کنوانسیون حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه گذاری بین دولت‌ها، کنوانسیون واشنگتن که در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۶۶ اجرا شده است.

خارجی» محسوب می‌شود. (ابراهیمی، سلطان زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲).

## □ ۲- ارتباط حقوق محیط زیست و حقوق سرمایه گذاری خارجی

رشد سرمایه گذاری و تجارت بین الملل و آثار آن بر محیط زیست، توجه جهانی را به خود معطوف ساخت. نگرانی جهانی ناشی از کاهش کیفیت محیط زیست، جامعه بین الملل را بر آن داشت تا برای بهبود استاندارد زندگی و حفاظت از محیط زیست اقدام نماید. حامیان محیط زیست سیاست‌هایی را که از نظر آنها مسئول نابودی محیط زیست می‌باشند را به زیر سؤال برده‌اند. این عده رشد اقتصادی بدون وجود مقررات زیست محیطی محکم و استوار را علت نابودی محیط زیست و از بین رفتن منابع جهان می‌دانند. یکی از حوزه‌های مهم اقتصاد بین المللی که می‌تواند تأثیرات زیادی بر محیط زیست داشته باشد، سرمایه گذاری می‌باشد. رشد سرمایه گذاری خارجی در غیاب استانداردهای بالای زیست محیطی، آلودگی ناشی از تولید و مصرف را افزایش می‌دهد. به علاوه سرمایه گذاری در کشورهایی که استانداردهای زیست محیطی پایینی دارند، منجر به کاهش هر چه بیشتر این استانداردها از جانب کشورهای مذکور به منظور کسب منفعت اقتصادی و جذب سرمایه گذاری بیشتر در رقابت با سایر کشورها خواهد شد. طرفداران محیط زیست همچنین بیم آن دارند که صنایع آلوده کننده به کشورهایی که مقررات زیست محیطی آنان سهل و آسان می‌باشند، منتقل شوند. گزارشی از دکتر بونس ساورز، دلیلی بر این نگرانی می‌باشد. وی استدلال خود را بر این مبنا قرار داده است که از آنجا که هزینه‌های ناشی از آلودگی در کشورهای کمتر توسعه یافته به کمترین میزان است و تقاضای محیط زیست سالم در ارتباط مستقیم با سطح بالای درآمد می‌باشد، منطق اقتصادی انتقال صنایع آلوده کمتر به کشورهایی که کمترین درآمد را دارند، قابل توجیه است. (بهرامی احمدی، فهیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴).

البته این استدلال از نظر کمی متقاعد کننده می‌باشد. زیرا با استدلال خود، حیات و سلامت کشورهای با درآمد کم را صرفاً به دلیل این واقعیت که نسبت به کشورهای ثروتمند از درآمد کمتری برخوردار می‌باشند، نادیده انگاشته است. به علاوه وی چنین فرضی کرده است که آلودگی همیشه محلی است، در حالی که ابعاد منطقه‌های جهانی دارد و اثرات آن محدود به مرزهای ملی نمی‌شود. از طرف دیگر کشورها نیز گاهی در اتخاذ مقررات زیست محیطی شدید از بیم اینکه صنایع آنها از نظر رقابتی با مقایسه با صنایع کشورهای دیگر متضرر گردد، قصوری دارند. چنانچه کشورهای دیگر نیز برای جلوگیری از متضرر گشتن با سایر کشورها همین روش را برگزینند و بر اتخاذ استانداردهای زیست محیطی داخلی، سیاست‌های کشورهای دیگر را مدنظر قرار دهند. نتیجه‌ای جز تنزل سطح حمایت و حفاظت از محیط زیست به دست نخواهد آمد و این امر منجر به نابودی تدریجی محیط زیست کلیه کشورها خواهد گشت.

حامیان محیط زیست معتقدند از آنجا که تأثیر آلودگی و تخریب محیط زیست داخل کشورها ممکن است به صورت‌های مختلف در ورای مرزها متجلی گردد، کلیه کشورها موظف می‌باشند که در اتخاذ سیاست‌ها و استانداردهای مشابه زیست محیطی همکاری نمایند و هزینه‌های ناشی از این حفاظت را متقبل شوند تا

بدین وسیله از روند تخریب محیط زیست جلوگیری به عمل آید. بدین ترتیب تعارض موجود بین دو حوزه محیط زیست و سرمایه گذاری توجه کارشناسان را به خود جلب کرد و در سطح جهانی برای این موضوع چاره اندیشی صورت گرفت تا اینکه مفهوم توسعه پایدار به عنوان یک وسیله در مدیریت و کنترل تعارضات بین این دو حوزه مطرح شد.

در گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۸۷ توسعه پایدار چنین تعریف شده است: توسعه عبارت است از برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن قابلیت‌های نسل‌های آینده به گونه‌ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد. مفهوم توسعه پایدار دارای ویژگی‌های فراگیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی می‌باشد. توسعه پایدار در اصطلاح حقوقی، شاید مفهومی فراگیر در حقوق بین‌الملل محیط زیست باشد این مفهوم حقوقی به تدریج در حال توسعه است. در دعوی گابیسکو-ناگی ماروس<sup>۱</sup> بین اسلواکی و لهستان، دیوان بین‌المللی دادگستری دو دولت را به ملاحظه اصل توسعه پایدار ارشاد کرد. علاوه بر این هر دو طرف، تأیید کردند که این اصل شامل حال این دعوی بوده است. دادگاه می‌گوید: «در گذشته بشر به دلیل اقتصادی و ... به طور دائم با طبیعت برخورد داشته است. در گذشته این کار بدون توجه به اثرهایش بر روی محیط زیست انجام می‌گرفت به دلیل بینش‌های علمی جدید و آگاهی در حال رشد نسبت به خطرهایی که بشریت (اعم از نسل حال و آینده) را تهدید می‌کند و از مداخله در محیط زیست ناشی می‌شود، هنجارها و استانداردهای جدید توسعه می‌یابند و طی دو دهه شمار زیادی از مقررات وضع می‌شوند. این هنجارهای جدید باید مورد توجه قرار گیرند و همچنین باید به استانداردهای نوین اهمیت زیادی داده شود. نه تنها زمانی که دولت‌ها فعالیت جدیدی را شروع می‌کنند، بلکه وقتی بخواهند فعالیت‌های گذشته خود را اصلاح و استمرار بخشند، باید آن را در چهارچوب برنامه توسعه اقتصادی سازگار با حفظ محیط زیست اجرا کنند که این موضوع به طور دقیق در مفهوم توسعه پایدار نهفته است.» (الکساندر کیس، ۲۰۰۴، ص ۲۲۰).

یکی از عواملی که می‌تواند باعث ایجاد توسعه پایدار شود، سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه به خصوص از طریق انتقال تکنولوژی و منابع مالی است. از سوی دیگر این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند تهدیدی برای محیط زیست به شمار آیند، مخصوصاً در صورتی که فرآیند سرمایه‌گذاری و تولید پرمخاطره و زیان بار باشد، کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با هدف کمک به رشد و توسعه اقتصادی خود، ممکن است اقدام به پایین آوردن استانداردهای حفاظت از محیط زیست نمایند. در چنین شرایطی ممکن است دولت‌های دیگر نیز برای جلوگیری از زیان‌های رقابتی به انجام چنین کاری مبادرت ورزند که نتیجه آن چیزی جز کاهش حفاظت از محیط زیست نخواهد بود. این امر به اشکال مختلف هم برای کشورهای توسعه یافته و هم برای کشورهای در حال توسعه مشکل ساز خواهد بود.

در ابتدا کشورهای در حال توسعه از این که خود را ملزم به تبعیت از قواعد و مقررات مربوط به محیط زیست در زمینه فعالیت‌های اقتصادی بدانند امتناع ورزیدند. کشورهای مذکور به کارگیری

این مقررات به خصوص قواعد مربوط به آلودگی‌های مرزگذر را تلاشی از سوی کشورهای توسعه یافته برای ضربه زدن و نقصان وارد کردن بر رشد کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌کردند. به عنوان مثال در کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم کشورهای در حال توسعه در مقابل تحمیل استانداردهای محیط زیستی ساخته و پرداخته قدرت‌های صنعتی، مقاومت نمودند. نماینده کشور برزیل در کنفرانس استکهلم اعلام کرد: «کشور متبوعش هیچ گونه منفعتی در موضوع کنترل آلودگی ندارد.» زیرا وی معتقد بود که اینگونه مسائل مشکل انسان‌های ثروتمند است و برزیل استدلال نمود که کشورهای فقیری که در آلودگی نقشی نداشته‌اند با توجه به اینکه صنعت، قبلاً برای کشورهای ثروتمند آلوده کننده منافعی داشته است تا حدودی حق آلوده کردن محیط زیست را دارند. هرچند کشورهای در حال توسعه شروع به تعدیل نظرهای مخالف خود در مورد حفظ و نگهداری محیط زیست کرده‌اند، اما با این وجود، آن‌ها اصول مربوط به حفظ و نگهداری محیط زیست را عاملی تضعیف کننده و نابودکننده توسعه خود قلمداد می‌کنند. (موسوی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۰).

روابط بین سرمایه گذاری خارجی و حفاظت از محیط زیست بسیار پیچیده است. این دو حوزه بر یکدیگر تأثیرات متقابل فراوانی دارند، یعنی از یک طرف بین این دو، یک رابطه تعارض و تضاد وجود دارد؛ به طوری که یکی از آنها ممکن است مانعی در برابر دیگری به حساب آید. به عنوان مثال، قواعد و مقررات زیست محیطی محکم و سخت و لزوم ارزیابی زیست محیطی بالا، ممکن است باعث کاهش جذب سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی شود. از سوی دیگر، رشد سرمایه‌گذاری خارجی بدون توجه به استانداردهای زیست محیطی ممکن است باعث آسیب و لطمه جدی به محیط زیست شود. از طرف دیگر، بین این دو حوزه از حقوق بین‌الملل یک رابطه حمایت و پشتیبانی متقابل وجود دارد یعنی یکی باعث تقویت دیگری می‌شود.

به گونه‌ای که رعایت قواعد زیست محیطی و حفاظت از محیط زیست و استفاده منصفانه از منابع طبیعی باعث رشد بهداشت اجتماعی و کاهش هزینه‌های مربوط به از بین بردن خسارات زیست محیطی می‌شود که در بلند مدت می‌تواند بر اقتصاد جهانی و افزایش منابع مالی برای رشد سرمایه‌گذاری مؤثر باشد و در مقابل نیز رشد صحیح سرمایه‌گذاری خارجی باعث رشد و توسعه انتقال فنون و تکنولوژی به کشورهای کمتر توسعه یافته می‌شود. کشورهای توسعه نیافته به دلیل نداشتن امکانات مالی و عدم دسترسی به تکنولوژی‌های نوین که سازگار با محیط زیست می‌باشند، خواسته یا ناخواسته لطمات شدیدی به محیط زیست می‌رسانند که با دستیابی به توسعه پایدار سهم این کشورها نیز در آسیب به محیط زیست کاهش پیدا می‌کند.

حمایت متقابل محیط زیست و سرمایه گذاری نسبت به یکدیگر و پیوند این دو با مفهوم توسعه پایدار در اسناد زیادی مورد توجه و تأکید زیادی قرار گرفته است. از جمله در اصل شانزدهم از اصول اعلامیه ریو، به مساله لزوم افزایش هزینه‌های آلوده سازی برای فعالیتها در سطح بین‌المللی و افراد مخرب محیط زیست بوسیله اتخاذ اقدامات اقتصادی و برعهده گرفتن هزینه توسط فرد آلوده کننده اشاره دارد و تأکید می‌نماید که نباید مزاحمتی برای سرمایه گذاری ایجاد بشود.

(Rio Declaration, principle 16)

در کشورهای صنعتی، مشکلات زیست محیطی عموماً به صنعتی کردن و توسعه تکنولوژی مربوط می‌شوند. به همین منظور، این کشورها باید کوشش کنند که فاصله بین خود و کشورهای در حال توسعه را کاهش دهند و یا اصل دوازدهم این اعلامیه عنوان می‌دارد که با توجه به شرایط و نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه و مخارج احتمالی ناشی از گنجاندن تدابیر مربوط به حفاظت از محیط زیست در برنامه توسعه اقتصادی آنها و با توجه به ضرورت ارائه کمک‌های فنی و مالی بین‌المللی بیشتر به این کشورها، بنابر تقاضای آنها برای تحقق هدف مذکور در فوق، می‌بایستی منابع لازم تأمین گردد.

رشد سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل و آثار آن بر محیط‌زیست، توجه جهانی را به خود معطوف ساخت. نگرانی جهانی ناشی از کاهش کیفیت محیط‌زیست، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا برای بهبود استاندارد زندگی و حفاظت از محیط‌زیست اقدام نماید. حامیان محیط‌زیست سیاست‌هایی را که از نظر آنها مسئول نابودی محیط‌زیست می‌باشند، را به زیر سؤال برده‌اند. این عده رشد اقتصادی بدون وجود مقررات زیست‌محیطی و استوار را علت نابودی محیط‌زیست و از بین رفتن منابع جهان می‌دانند. یکی از حوزه‌های مهم اقتصاد بین‌المللی که می‌تواند تأثیرات زیادی بر محیط‌زیست داشته باشد، سرمایه‌گذاری می‌باشد. رشد سرمایه‌گذاری خارجی در غیاب استانداردهای بالای زیست‌محیطی، آلودگی ناشی از تولید و مصرف را افزایش می‌دهد. به علاوه سرمایه‌گذاری در کشورهایی که استانداردهای زیست‌محیطی پایینی دارند، منجر به کاهش هر چه بیشتر این استانداردها از جانب کشورهای مذکور به منظور کسب منفعت اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری بیشتر در رقابت با سایر کشورها خواهد شد. طرفداران محیط‌زیست همچنین بیم آن دارند که صنایع آلوده کننده به کشورهایی که مقررات زیست‌محیطی آنان سهل و آسان می‌باشند، منتقل شوند.

گزارشی از دکتر بونس سامرز، دلیلی بر این نگرانی می‌باشد. وی استدلال خود را بر این مبنا قرار داده است که: «از آنجا که هزینه‌های ناشی از آلودگی در کشورهای کمتر توسعه یافته به کمترین میزان است و تقاضای محیط‌زیست سالم در ارتباط مستقیم با سطوح بالای درآمد می‌باشد، منطق اقتصادی انتقال صنایع آلوده کننده به کشورهایی که کمترین درآمد را دارند قابل توجیه است. (ضیایی، ۱۳۹۳)

البته این استدلال از نظر کمی متقاعد کننده می‌باشد، زیرا با استدلال خود، حیات و سلامت شهروندان کشورهای با درآمد کم را صرفاً به دلیل این واقعیت که کسب به کشورهای ثروتمند از درآمد کمتری برخوردار می‌باشند، نادیده انگاشته است. به علاوه چنین فرض کرده است که آلودگی همیشه محلی است، در حالی که آلودگی ابعاد منطقه‌های جهانی دارد و اثرات آن محدود به مرزهای ملی نمی‌شود.

از طرف دیگر کشورها نیز گاهی در اتخاذ مقررات زیست‌محیطی شدید از بیم اینکه صنایع آنها از نظر رقابتی در مقایسه با صنایع کشورهای دیگر متضرر گردد، قصور می‌ورزند. چنانچه کشورهای دیگر نیز برای جلوگیری از متضرر گشتن در رقابت با سایر کشورها همین روش را برگزینند و در اتخاذ استانداردهای زیست‌محیطی داخلی، سیاست‌های کشورهای دیگر را مدنظر قرار دهند؛

نتیجه‌ای جز تنزل سطح حمایت و حفاظت از محیط‌زیست به دست نخواهد آمد و این امر منجر به نابودی تدریجی محیط‌زیست کلیه کشورها خواهد گشت.

حامیان محیط‌زیست معتقدند از آنجا که تأثیر آلودگی و تخریب محیط‌زیست داخل کشورها ممکن است به صورت‌های مختلف در ورای مرزها متجلی گردد، کلیه کشورها موظف می‌باشند که در اتخاذ سیاست‌ها و استانداردهای مشابه زیست‌محیطی همکاری نمایند و هزینه‌های ناشی از این حفاظت را متقبل شوند تا بدین وسیله از روند تخریب محیط‌زیست جلوگیری به عمل آید. بدین ترتیب تعارض موجود بین دو حوزه محیط‌زیست و سرمایه‌گذاری توجه کارشناسان را به خود جلب کرد و در سطح جهانی برای این موضوع چاره‌اندیشی صورت گرفت. تا اینکه مفهوم توسعه پایدار به عنوان یک وسیله در مدیریت و کنترل تعارضات بین این دو حوزه مطرح شد.

در گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط‌زیست در سال ۱۹۸۷ توسعه پایدار چنین تعریف شده است: «توسعه عبارت است از برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن قابلیت‌های نسل‌های آینده به گونه‌ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد.» مفهوم توسعه پایدار دارای ویژگی‌های فراگیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی می‌باشد. توسعه پایدار در اصطلاح حقوقی، شاید در حوزه مفهومی فراگیر در حقوق بین‌المللی محیط‌زیست باشد. این مفهوم حقوقی به تدریج در حال توسعه است. در دعوی گابیسکوو - ناگی ماروس<sup>۱</sup> بین اسلواکی و لهستان، دیوان بین‌المللی دادگستری دو دولت را به ملاحظه اصل توسعه پایدار ارشاد کرد. علاوه بر این هر دو طرف، تأکید کردند که این اصل شامل حال این دعوی بوده است. (تقی زاده انصاری، مصطفی و فائقی راد، مونا، ۱۳۸۹)

دادگاه می‌گوید: «در گذشته بشر به دلایل اقتصادی و ... به طور دائم با طبیعت برخورد داشته است. در گذشته این کار بدون توجه به اثرهایش بر روی محیط‌زیست انجام می‌گرفت. به دلیل بینش‌های علمی جدید و آگاهی در حال رشد نسبت به خطرهایی که بشریت (اعم از نسل حال و آینده) را تهدید می‌کند و از مداخله محیط‌زیست ناشی می‌شود، هنجارها و استانداردهای جدید توسعه می‌یابند و طی دو دهه شمار زیادی از مقررات وضع می‌شوند. این هنجارهای جدید مورد توجه قرار گیرند و همچنین باید به استانداردهای نوین اهمیت زیادی داده شود. نه تنها زمانی که دولت‌ها فعالیت جدید را شروع می‌کنند، بلکه وقتی بخواهند فعالیت‌های گذشته خود را اصلاح و استمرار بخشند، باید آن را در چهارچوب برنامه توسعه اقتصادی سازگار با حفظ محیط‌زیست اجرا کنند، که این موضوع به طور دقیق در مفهوم توسعه پایدار نهفته است.» (تقی زاده انصاری، مصطفی و فائقی راد، مونا ۱۳۸۹)

قاضی ویرامانتی در رأی مستقل خود، در دعوی گابیسکوو - ناگی ماروس اصل توسعه پایدار را یک بخش جدا نشدنی حقوق بین‌الملل مدون نامید. این نظریه هویت ترکیبی این اصل را برای آینده به عنوان تاسی مثبت از حقوق بین‌الملل شامل حقوق بشر، مسئولیت دولت، حقوق اقتصادی و صنعتی، اصل حاکمیت سرزمین، سوء استفاده از حق و اصل حسن همجواری تعیین کرده است. زاده انصاری،



مصطفی و فائقی راد، مونا (۱۳۸۹)

یکی از عواملی که می‌تواند باعث ایجاد توسعه پایدار شود، سرمایه‌گذاری خارجی در کشورها در حال توسعه به خصوص از طریق انتقال تکنولوژی و منابع مالی است. اما از سوی دیگر این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند تهدیدی برای محیط‌زیست به شمار آیند، مخصوصاً در صورتی که فرآیند سرمایه‌گذاری و تولید پرمخاطره و زیان بار باشد.

کشورها برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی با هدف کمک به رشد و توسعه اقتصادی خود، ممکن است اقدام به پایین آوردن استانداردهای حفاظت محیط‌زیست نمایند. در چنین شرایطی ممکن است دولت‌ها دیگر نیز برای جلوگیری از زیانهای رقابتی به انجام چنین کار مبادرت ورزند که نتیجه آن چیزی جز کاهش حفاظت از محیط‌زیست نخواهد بود. این امر به اشکال مختلف هم برای کشورهای توسعه یافته و هم برای کشورهای در حال توسعه مشکل ساز خواهد بود. در ابتدا کشورهای در حال توسعه از اینکه خود را ملزم به تبعیت از قواعد و مقررات مربوط به محیط‌زیست در زمینه فعالیت‌های اقتصادی بدانند، امتناع ورزیدند. کشورهای مذکور به کارگیری این مقررات به خصوص قواعد مربوط به آلودگی‌های مرز گذر را تلاشی از سوی کشورهای توسعه یافته برای ضربه زدن و نقصان وارد کردن بر رشد کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌کردند.

به عنوان مثال در کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم کشورها در حال توسعه در مقابل تحمیل استانداردهای محیط‌زیستی ساخته و پرداخته قدرتهای صنعتی، مقاومت نمودند. نماینده کشور برزیل در کنفرانس استکهلم اعلام کرد: «کشور متبوعش هیچ گونه منفعتی در موضوع کنترل آلودگی ندارد.» زیرا وی معتقد بود که این گونه مسائل مشکل انسان‌های ثروتمند است و برزیل استدلال نمود که کشورهای فقیری که در آلودگی نقش نداشته‌اند- با توجه به اینکه صنعت، قبلاً برای کشورهای ثروتمند آلوده کننده منافعی داشته است- تا حدودی حق آلوده کردن محیط‌زیست را دارند. هر چند کشورهای در حال توسعه شروع به تعدیل نظرهای مخالف خود در مورد حفظ و نگهداری محیط‌زیست کرده‌اند، اما با وجود این، آنها اصول مربوط به حفظ و نگهداری محیط‌زیست را عاملی تضعیف کننده و نابود کننده توسعه قلمداد می‌کنند. (موسوی، ۱۳۸۰، صص ۶۹/۷۵)

روابط بین سرمایه‌گذاری خارجی و حفاظت از محیط‌زیست بسیار پیچیده است. این دو حوزه بر یکدیگر تأثیرات متقابل فراوانی دارند، یعنی از یک طرف بین این دو یک رابطه تعارض و تضاد وجود دارد؛ به طوری که یکی از آنها ممکن است مانعی در برابر دیگری به حساب آید. به عنوان مثال قواعد و مقررات زیست‌محیطی محکم و سخت و لزوم ارزیابی زیست‌محیطی بالا، ممکن است باعث کاهش جذب سرمایه‌گذار در سطح بین‌المللی شود. از سوی دیگر رشد سرمایه‌گذاری خارجی بدون توجه به استانداردهای زیست‌محیطی ممکن است باعث آسیب و لطمه به محیط‌زیست شود. از طرف دیگر بین این دو حوزه از حقوق بین‌الملل یک رابطه حمایت و پشتیبانی متقابل وجود دارد یعنی یکی باعث تقویت دیگری می‌شود به گونه‌ای که رعایت قواعد زیست‌محیطی و حفاظت از محیط‌زیست و استفاده منصفانه از منابع طبیعی باعث رشد بهداشت اجتماعی و

کاهش هزینه‌های مربوط به از بین بردن خسارات زیست محیطی می‌شود که در بلند مدت می‌تواند بر اقتصاد جهانی و افزایش منابع مالی برای رشد سرمایه‌گذاری مؤثر باشد و در مقابل نیز رشد صحیح سرمایه‌گذاری خارجی باعث رشد و توسعه انتقال فنون و تکنولوژی به کشورهای کمتر توسعه یافته می‌شود. کشورهای فوق به دلیل نداشتن امکانات مالی و عدم دسترسی به تکنولوژی‌های نوین که سازگار با محیط‌زیست می‌باشند، خواسته یا ناخواسته لطمات شدیدی به محیط‌زیست می‌رسانند که با دستیابی به توسعه پایدار سهم این کشورها نیز در آسیب به محیط‌زیست کاهش پیدا می‌کند.

پیوند حمایت متقابل محیط‌زیست و سرمایه‌گذار خارجی با مفهوم توسعه پایدار در اسناد زیادی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. برای مثال در بند ۴ مقدمه اعلامیه استکهلم<sup>۱۱</sup> آمده است که: «در کشورهای در حال توسعه بسیاری از مسائل زیست محیطی از کمی توسعه ناشی می‌شود؛ میلیون‌ها انسان در سطح پایین‌تر از آنچه شایسته زندگی انسان است محروم از غذا، لباس، مسکن، سلامتی و بهداشت ضروری به زندگی ادامه می‌دهند. بنابراین کشورهای در حال توسعه باید با در نظر گرفتن اولویت‌های خود و ضرورت حفاظت و بهبود محیط‌زیست، تلاش خود را در جهت توسعه معطوف سازند.

در کشورهای صنعتی، مشکلات زیست محیطی عموماً به صنعتی کردن و توسعه تکنولوژی مربوط می‌شوند. به همین منظور کشورهای صنعتی باید کوشش کنند که فاصله بین خود و کشورهای در حال توسعه را کاهش دهند. و یا اصل دوازدهم این اعلامیه عنوان می‌دارد که «با توجه به شرایط و نیازهای خاص کشورها در حال توسعه و مخارج احتمالی ناشی از گنجاندن تدابیر مربوط به حفاظت از محیط‌زیست در برنامه توسعه اقتصادی آنها و با توجه به ضرورت ارائه کمک‌های فنی و مالی بین‌المللی بیشتر به این کشورها، بنابر تقاضای آنها برای تحقق هدف مذکور در فوق، می‌بایستی منابع لازم تأمین گردد. (Stockholm Declaration, principle 12)

### □ ۳- تعهد سرمایه‌گذاران خارجی به رعایت محیط‌زیست در موافقت‌نامه‌های

#### سرمایه‌گذاری و اسناد بین‌المللی

##### ۳-۱- رویکرد موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری به حمایت از محیط زیست

شروطی که در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری و تجارت مندرج می‌شوند، در مقولات رفتار با بیگانگان، مصادره و ملی کردن، واگذاری و انتقال سرمایه و سود حاصل از سرمایه‌گذاری، شروط اجرایی، شروط ثبات و شرط توازن قرار می‌گیرند. معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری معمولاً ۳ نوع شرط رفتار ملی، ملت کامله الوداد و ممنوعیت تبعیض را دربرمی‌گرفتند. اصل رفتار ملی با تحول رژیم سرمایه‌گذاری خارجی، مورد انتقاد کشورهای توسعه یافته سرمایه فرست قرار گرفت. (پیران، ۱۳۹۲، ص ۶۸) ولی مجدداً شاهد احیای این اصل در معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه هستیم

مانند معاهده سرمایه گذاری بین آلمان و کنیا یا ماده ۱۱۰۲ معاهده نفتا یا ماده ۱۰، بند ۳ معاهده منشور انرژی، و به نظر می‌رسد که چنین بندی به نفع سرمایه گذاران خارجی هم باشد زیرا آنها را از امتیازات سرمایه گذاران داخلی بهره مند ساخته و از تبعیض بین آنها و سرمایه گذاران داخلی ممانعت به عمل می‌آورد.

با وجود اصل رفتار ملی نسبت به سرمایه گذار خارجی، شاهد اجرای اصل ملت کامله الوداد بین سرمایه گذاران خارجی بوده و در واقع این اصل، نمود خارجی اصل عدم تبعیض به حساب می‌آید. در چهارچوب چنین رویکردی، در سال‌های اخیر با افزایش آگاهی‌های عمومی نسبت به حفاظت از محیط زیست و همچنین تأثیر فراوان سرمایه گذاری بر اقتصاد جهانی و همچنین محیط زیست، کشورها و سازمان‌های بین المللی در سطح بین المللی اقدام به وضع قواعد و مقرراتی نموده‌اند تا بتوانند تأثیرات منفی متقابل که ممکن است این دو حوزه بسیار مهم بر یکدیگر داشته باشند را کم کرده و مناسبات و حدود بین محیط زیست و سرمایه گذاری را به صورت مدون و قانون مند درآورند. دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی کوشیده‌اند که تا حد امکان شدت و میزان آسیب اقدامات سرمایه گذاری بر محیط زیست را کاهش دهند به طوری که در عین حال در جریان رشد و توسعه سرمایه گذاری در سطح جهانی نیز خللی وارد نیاید. به بررسی جایگاه محیط زیست در این موافقتنامه‌ها می‌پردازیم.

موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه گذاری عموماً به طور صریح به موضوعات زیست محیطی اشاره نمی‌کنند بلکه حمایت از محیط زیست مورد تشویق قرار گرفته است مانند موافقتنامه‌های دو جانبه آمریکا و اروگوئه در سال ۲۰۰۵ و آمریکا و بحرین در سال ۲۰۰۰ و با موافقت نامه سال ۲۰۰۶ بین کانادا و پرو ۲۰۰۶ که بر لزوم حمایت از محیط زیست حتی با وجود کاسته شدن از میزان جذب سرمایه گذاری خارجی تأکید دارد. این اصول از رویه کشورهای آمریکا، کانادا و در کنار آن، اتحادیه اروپا در موافقتنامه‌هایی که منعقد می‌کرد، برخاسته است.

دسته دیگر معاهدات سرمایه گذاری، موافقت نامه‌های تجارت آزاد هستند که رویکردهای متعددی را نسبت به حمایت از محیط زیست درپیش گرفته‌اند. برخی از آنها به این موضوع نپرداخته‌اند. بعضی از آنها یک سلسله مقررات گذرا و ناکافی دارند مانند موافقتنامه‌های تجارت آزاد بین چین و شیلی. برخی از این موافقت نامه‌ها نیز به صورت مشروح و مفصل به بحث محیط زیست توجه نشان داده‌اند و مفصلاً به آن پرداخته‌اند، مانند موافقتنامه‌های تجارت آزاد بین ژاپن و مکزیک در سال ۲۰۰۴ یا موافقتنامه آمریکا و سنگاپور در سال ۲۰۰۳ گاهی اوقات نیز موافقت نامه‌های زیست محیطی جداگانه‌ای بین طرفین تجارت آزاد منعقد شده است مانند موافقت نامه همکاری زیست محیطی.

برخی از این معاهدات صرفاً بیان تشویق گونه دارند ولی برخی دیگر از این حیثه فراتر رفته و به دولت میزبان اختیارات و حقوقی برای ارزیابی زیست محیطی فعالیتهای سرمایه گذاری خارجی داده‌اند و حاوی شروط و معیارهایی مربوط به عدم کاهش دادن استانداردهای هستند، و از طرف دیگر، کشورهای متبوع سرمایه گذاران را نیز اجبار سازند تا از انطباق سرمایه گذاران تبعه خود با استانداردهای زیست محیطی اطمینان حاصل نمایند.

بدیهی است که کشورهای در حال توسعه عموماً در مقایسه با کشورهای توسعه یافته نیاز دارند که سیاست‌های زیست محیطی خود را اصلاح کنند و تعارض منافع سرمایه‌گذار و ارزیابی‌های زیست محیطی در مورد آن‌ها بیشتر بوقوع می‌پیوندد. حتی دیده می‌شود که هیچیک از معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری در کشورهای دارای اقتصاد در حال ظهور مانند روسیه، هند، برزیل، بندهای مربوط به ارزیابی خطرات زیست محیطی به عنوان یکی از شروط صدور محوز برای آغاز به کار سرمایه‌گذار خارجی مشاهده نمی‌شود.

معاهدات دوحانبه معدودی وجود دارند که ارزیابی‌های زیست محیطی را الزام‌آور بدانند و نسبت به تخلفات زیست محیطی سرمایه‌گذار، مسؤولیت برای وی در نظر بگیرد. یک نمونه موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی می‌باشد که شرط تضمین حفاظت از محیط زیست در فعالیتهای تجاری را مقرر داشته است ولی با این وجود، ارزیابی صدمات و تاثیرات زیست محیطی را برای شروع به سرمایه‌گذاری ضروری نمی‌داند.

موافقتنامه مدل بین المللی در زمینه سرمایه‌گذاری برای توسعه پایدار، انجام ارزیابی زیست محیطی و گنجاندن شرایط آن را در قوانین دولت سرمایه‌پذیر و نیز دولت متبوع فرد سرمایه‌گذار، ضروری می‌داند، هر کدام که شدیدتر باشد (موافقت نامه مدل سرمایه‌گذاری، ماده ۱۲A و C) و در اینجاست که امکان دارد تعهد بیشتری برعهده سرمایه‌گذار خارجی قرار بگیرد زیرا ممکن است قوانین کشور متبوع سرمایه‌گذار استاندارد سخت‌گیرانه تری داشته باشد درحالیکه براساس ماده ۵ این موافقت نامه، سرمایه‌گذار داخلی فقط تحت قوانین کشور خود قرار می‌گیرد که ممکن است قوانین سهل‌گیرانه‌تری درحوزه حمایت از محیط زیست باشد.

**۳-۲- حمایت از محیط زیست در اسناد بین المللی کنفرانس استکهلم در جهت توسعه پایدار**  
حمایت از محیط زیست و مبارزه با آلودگی‌های زیست محیطی را در دستور کار خود قرار داد و بر ایجاد رکنی فرعی به نام برنامه محیط زیست ملل متحد توافق نمودند. قبل از کنفرانس استکهلم و صدور اعلامیه استکهلم، اسناد متعددی در این جهت به تصویب رسیده بودند مانند کنوانسیون ۱۹۶۹ لندن درباره جلوگیری از آلودگی نفتی دریاها ولی جملگی در حیطه موضوعات خاص بوده و جامعیت اعلامیه استکهلم را نداشتند. در این اجلاس، بر اصل همکاری در جهت کاهش آلودگی‌های فرامرزی و پرداخت هزینه‌های آلوده‌سازی محیط‌زیست توسط آلوده‌کننده تأکید شد و بر رابطه میان محیط زیست و توسعه بخصوص در ارتباط کشورهای شمال و جنوب تأکید گردید.

کنفرانس ناپرویی در سال ۱۹۷۷ در جهت حمایت از محیط زیست، به مسأله مقابله با بیابان زایی پرداخت ولی درعمل مورد توجه قرار نگرفت.

کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ به موضوع محیط زیست و توسعه اختصاص یافت و برنامه‌ای تحت عنوان دستور کار ۲۱ برای توسعه متناسب با محیط زیست تدوین گردید که موضوعاتی از قبیل حفاظت از جو، توسعه بهداشت کره زمین، مدیریت پایدار منابع زیرزمینی در آن مندرج گردید.

فراخوان جهانی برای توسعه که در اجلاس زمین در ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۲ پیگیری شد، به مسائلی از قبیل بیابان زایی، نابودی جنگل‌ها، آلودگی آب و هوا و تغییرات آب و هوایی توجه نشان

داده شد.

از جدیدترین اسنادی که به مسأله محیط زیست در سطح بین‌المللی پرداخته‌اند، توافق نامه پاریس درباره تغییرت آب و هوایی می‌باشد که در چهارچوب کنوانسیون (مقابله) با تغییرات آب و هوایی ملل متحد منعقد گردیده است. براساس این سند، کشورها باید در جهت مقابله با پدیده گرم شدن زمین و کاهش گازهای گلخانه‌ای تلاش نموده و برنامه‌های خود را ارائه دهند. به عنوان مثال، دولت فرانسه اعلام نموده است تا سال ۲۰۴۰ استفاده از خودروهای سوخت بنزین و دیزل را به صفر خواهد رساند. (Independent, ۲۰۱۷)

#### □ ۴- محدودیت‌های سرمایه گذاران خارجی در جهت حمایت از محیط زیست

##### ۴-۱- محدودیت‌های ملی سرمایه گذاران خارجی در جهت حمایت از محیط زیست

طبیعی است که کشور میزبان می‌تواند بیشترین تأثیر را در حمایت از محیط زیست خود در برابر سرمایه گذار خارجی داشته باشد و محدودیت‌هایی را بر اساس اعمال حاکمیت وضع نماید. دولت میزبان می‌تواند شروطی را قبل از پذیرش سرمایه‌گذار خارجی وضع نماید و در این راستا، ارزیابی‌های زیست‌محیطی پروژه‌ها انجام می‌گیرد. همچنین دولت سرمایه‌پذیر می‌تواند در طی حضور سرمایه‌گذار خارجی، نظارت و کنترل‌هایی را بر وی اعمال کند. در این مرحله، سخت‌گیری‌ها کمتر انجام می‌گیرد زیرا لغو مجوزها ممکن است به سل مالکیت از فرد خارجی تعبیر شده و آن دولت را با تبعات زیادی مواجه سازد.

در هر دو مرحله کشور میزبان ممکن است ممنوعیت‌هایی را در جهت اعمال حاکمیت خود داشته باشد مثلاً براساس موافقت نامه‌های فی‌مابین پذیرفته باشند که به اتباع یکدیگر بدون محدودیت‌های قابل توجهی مجوز سرمایه گذاری اعطا نمایند.

دولت متبوع سرمایه گذار خارجی نیز می‌تواند محدودیت‌هایی را بر وی تحمیل نماید. در این جهت، دادگاه‌های آمریکا صلاحیت خود را بر کلیه شرکت‌های آمریکایی که در خارج فعالیت کرده و محیط زیست را به خطر می‌اندازند و حتی شرکت‌های خارجی که در آمریکا پایگاهی دارند و در خارج به محیط زیست آسیب جدی وارد ساخته‌اند، اعمال می‌کنند. (Kiobel, 2010)

##### ۴-۲- محدودیت‌های زیست محیطی سرمایه گذاران خارجی در سطح بین‌المللی

تعهد دولت‌ها به حمایت از محیط زیست در رأی آزمایش‌های هسته‌ای توسط دیوان بین‌المللی دادگستری مورد اشاره قرار گرفته است. در این چهارچوب، کشورها تعهد دارند که به محیط زیست کشورهای دیگر صدمه وارد نسازند و این تعهدی است که در قضیه رودخانه اروگوئه به آن اشاره شده است. (Pulp Mills on the River Uruguay, Argentina v. Uruguay, ۲۰۱۰) همچنین دولت‌ها این وظیفه را دارند که امکان دسترسی عموم را به اطلاعات راجع به فعالیت‌های زیست محیطی فراهم آورند.

اصل ارزیابی آثار زیست محیطی اصل دیگری است که دیوان در قضیه رودخانه اروگوئه به آن اشاره

داشته است و آن را برخاسته از حقوق عرفی می‌داند؛ به نظر دیوان در صورتیکه آثار احتمالی شدید باشد، حتماً باید قبل از شروع یک فعالیت اقتصادی و در حین آن، ارزیابی فعالیت زیست محیطی انجام بپذیرد. (Pulp Mills on the River Uruguay, Argentina v. Uruguay, ۲۰۱۰)

دیوان بین المللی حقوق دریاها نیز در نظریه مشورتی خود، در مورد فعالیت‌های بهره‌برداری از مناطق اعماق دریاهای آزاد، بهره‌برداران را ملزم به رعایت مقررات زیست محیطی می‌داند و دولتهای ذی‌نفع را موظف به قانونگذاری درجهت حمایت از محیط زیست این منطقه نموده است (Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with respect to Activities in the Area, ۲۰۱۱). دیوان حقوق دریاها در این مورد اشاره داشته که مسؤولیت در زمینه محیط زیست نیازی به اثبات تقصیر ندارد و به سبب خطرناک بودن و بر اساس اصل «آلوده کننده باید هزینه را بپردازد» که از اصول بنیادین حقوق محیط زیست است، استوار می‌گردد.

در داوری‌های بین‌المللی نیز موضوع حمایت از محیط‌زیست مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مراجع تأثیرگذار در این زمینه ایکسید بوده است. ایکسید در مقام حل تعارض موافقت‌نامه‌ها سرمایه‌گذاری دوجانبه با قواعد حقوق بشر یا به عبارت دیگر در جهت حل تعارض مقررات دولت میزبان، دولت متبوع فرد سرمایه‌گذار و موافقت‌نامه، همواره قواعد عام حقوق بین‌الملل بخصوص حقوق محیط‌زیست را از نظر دور نداشته است و سعی نموده است که تعادلی بین حمایت از محیط‌زیست و حمایت از انتظارات معقول سرمایه‌گذار ایجاد نماید.

### نتیجه‌گیری

با توجه به این که هدف اصلی سرمایه‌گذاری بین‌المللی افزایش توسعه، رفاه و رشد اقتصادی جوامع می‌باشد و با عنایت به این که داشتن محیط زیست سالم، شرط لازم برای دستیابی به این اهداف می‌باشد؛ بنابراین سرمایه‌گذاری خارجی باید به گونه‌ای توسعه یابد که کم‌ترین تأثیر منفی را بر محیط زیست داشته باشد و هم‌زمان با تلاش‌ها برای رشد سرمایه‌گذاری خارجی حفاظت از محیط زیست نیز مورد توجه قرار گیرد و یک نوع سازگاری و هماهنگی بین این دو حوزه برقرار شود.

حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، دو شاخه از حقوق بین‌الملل هستند که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکو و ناگی ماروس و بسیاری از آرای هیئت رسیدگی سازمان تجارت جهانی در پرتوی یکدیگر تفسیر شدند. با استعانت از نظریه وحدت حقوق بین‌الملل می‌توان به نزدیک کردن این دو شاخه از حقوق بین‌الملل اقدام کرد. سرمایه‌گذاری خارجی از دغدغه‌های دیرین دولتها و سرمایه‌گذاران بوده است اما محیط‌زیست از دغدغه‌های جدید بشریت محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاران به دنبال منافع مالی و خصوصی خود هستند اما طرفداران محیط زیست به دنبال منافع زیستی و جمعی جهانیان هستند. صرف‌نظر از اهمیت و ترجیح هر یک از این دو هدف بر یکدیگر، آنچه مسلم است در تعامل میان حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق

بین الملل محیط زیست، این حقوق بین الملل محیط زیست است که مظلوم واقع شده و حمایتی به اندازه سرمایه گذاری کسب نکرده است. در سایه افزایش جمعیت و فشار آن بر محیط زیست، نسل انسان و دیگر گونه‌های جانوری و گیاهی به خطر افتاده است. رشد فزاینده جمعیت و تولیدات کشاورزی و صنعتی و مصرف کالاها که برآمده از سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان است، فشار بر منابع تجدید ناشدنی را چند برابر کرده و در همان حال آلودگی منابع و تخریب محیط زیست را در پی داشته است. محیط شناسان تردید دارند که جوامع انسانی از بحرانهایی مانند کاهش تعادل حیاتی در سایه افزایش جمعیت و نابودی منابع و محیط زیست جان سالم به در برند.

فرآیندهای اقتصادی دربرگیرنده سیستم‌ها و نظام‌هایی به هم پیوسته است که در آنها پس‌خورهای مهمی وجود دارد. هرچه انسان با طبیعت و محیط می‌کند، با هر هدفی باشد، آثار و پیامدهایی خواهد داشت. از دید اقتصادی، ویژگی‌های برجسته شرایط غیراکولوژیک نشان می‌دهد که انسان به بهره‌گیری افسار گسیخته از منابع تجدید شدنی و تجدید ناشدنی پرداخته است. در نتیجه، برخی از کالاها تولیدی هزینه‌هایی دارد که گریبانگیر یکایک انسانها می‌شود و نه تنها تولید کنندگان، و به سخن دیگر، گونه‌های هزینه اجتماعی به بار می‌آورد. شاید این گمان درست باشد که چنین ویژگی‌هایی در بهای نسبی کالاها و منابع بازتاب می‌یابد. اگر بهره‌برداری از منابع حیاتی و مهم انسانی بی‌برنامه و نسنجیده باشد، چنان که امروز در مقیاس باور نکردنی هست و نیز تولید کالاها دارای پیامدهای منفی ناخواسته باشد، شاید یک واکنش نظام اقتصادی، افزایش بهای منابع تولید به گونه‌ای باشد که کنترلی مؤثر بر تولید این کالاها اعمال شود و قیمت‌های افزوده گاهی چنان سنگین گردد که بهره‌گیری از آن منابع را یکسره محدود کند.

رشد سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل و آثار آن بر محیط زیست، توجه جهانی را به خود معطوف ساخت. نگرانی جهانی ناشی از کاهش کیفیت محیط زیست، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا برای بهبود استاندارد زندگی و حفاظت از محیط زیست اقدام نماید. حامیان محیط زیست سیاست‌هایی را که از نظر آنها مسئول نبودن محیط زیست می‌باشد را زیر سؤال بردند. این عده رشد اقتصادی بدون وجود مقررات زیست محیطی محکم و استوار را علت نبودن محیط زیست و از بین رفتن منابع جهان می‌دانند. رشد سرمایه‌گذاری خارجی در غیاب استانداردهای بالای زیست محیطی، آلودگی ناشی از تولید و مصرف را افزایش می‌دهد.

موافقت‌نامه‌های فعلی سرمایه‌گذاری فرض را بر این می‌گذارند که سرمایه‌گذاری‌ها نوعاً مفید به حال توسعه دولت میزبان بوده و سرمایه‌گذاران خارجی که به عنوان طلایه داران توسعه به کشور میزبان جذب می‌شوند باید مورد حمایت قرار گیرند. تأثیر سرمایه‌گذاران خارجی بر جوامع محلی، کارگران، مصرف کنندگان، محیط زیست، معمولاً در این موافقت‌نامه‌ها مدنظر قرار نگرفته است. در فقدان الزام آور، مسئولیت کنترل و بهبود رفتار شرکت‌ها اساساً به اقدامات داوطلبانه‌ای محول شده که شامل طیف وسیعی از دستورالعمل‌هایی است که خود شرکت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و بعضاً دولت‌ها صادر می‌کنند. از آنجا که کم و کاستی‌ها و نواقص اقدامات خودجوش و داوطلبانه بر کسی پوشیده نیست، شایسته به نظر می‌رسد، باید محمل حقوقی مناسب‌تری را برای

تحمیل مسئولیت اجتماعی بر شرکت‌های فراملی تدبیر کرد. قانونگذاران داخلی درصدد برآمده‌اند که از طریق روشهای مختلف همچون جلوگیری از آلودگی، تشویق به افزایش رقابت بین کشورهای میزبان سرمایه گذاری برای التزام به مقررات زیست محیطی نمایند؛ در این میان کشورهای درحال توسعه که در ابتدا سعی می‌نمودند که با کاهش استانداردهای زیست محیطی ضروری به عنوان مثال از طریق کاستن از نرخ جریمه‌های مقرر شده برای نقض قوانین زیست محیطی، به جذب سرمایه گذاری خارجی بپردازند، درحال تلاش برای افزایش پایبندی خود به این حداقل‌ها هستند.

### □ منابع و مأخذ

- ۱- تقی زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۷۴). حقوق کیفری محیط زیست، تهران، انتشارات قومس.
- ۲- حقوق بین الملل محیط زیست. (۱۳۸۰). ترجمه تحقیقی سید فضل الله موسوی، مجله حقوقی هاروارد، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۳- پیران، حسین. (۱۳۸۹). مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین المللی، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
- ۴- عسگری، پوریا. (۱۳۹۱). حقوق سرمایه گذاری خارجی در رویه داوری بین المللی، تهران، انتشارات دانشگاهی.
- ۵- کیس، الکساندر و سند، پیتر اچ و لانسگ، وینفراید. (۱۳۸۶). حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسین حبیبی، جلد ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- ابراهیمی، نصرالله و سلطان زاده، سجاد، (۱۳۹۳) «مفهوم سرمایه گذاری در رویه داوری مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری خارجی (ایکسید)، مجله حقوقی بین المللی، بهار و تابستان ۱۳۹۳، شماره ۵۰، صص ۷۷-۱۰۸
- ۷- بهرامی احمدی، حمید و فهیمی، عزیزالله، (۱۳۸۶) «مبنای مسوولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۳۶، صص ۱۵۰-۱۲۱
- ۸- تقی زاده انصاری، مصطفی و فائقی راد، مونا، (۱۳۸۹) «مسوولیت بین المللی دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست»، مجله راه و کالت، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۸-۱۰
- ۹- ضیایی، سید یاسر، (۱۳۹۶) «جایگاه تعهدات زیست محیطی در حقوق بین الملل سرمایه گذاری»، مجله پژوهش حقوق عمومی، بهار ۱۳۹۶، شماره ۴۲، ۲۲۴-۱۹۱
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر و مهدی انصاری، (۱۳۷۸) «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸.
- ۱۱- وفادار، علی، (۱۳۸۶) «تعهد و مسوولیت دولت‌ها در رعایت محیط زیست»، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
- ۱۲- امینی، لیلا، (۱۳۷۸)، مسوولیت بین المللی دولت‌ها ناشی از آلودگی محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.





۱۳- مردانی، مهرناز، (۸۳-۱۳۸۲)، بررسی ابعاد حقوقی حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

14-14. Broches, Aron, The Convention of Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of other States, (1972), Hague Academy of International Law: 136 Recueil des cours 331-410, vol. 2.

15- Reed, Lucy, Paulsson, J. & Blackaby, N. Guide to ICSID Convention, The Netherlands: Kluwer Law international. (2011).

16- Sands, Philippe, Principles of International Environmental Law Cambridge University Press, (2003).

17- Sands, Philippe & Schreuer, Christoph et al, The ICSID Convention: A Commentary, Second Edition, UK: Cambridge University Press. (2009).

18- Stephans, Tim, International Courts and Environmental Protection, Cambridge Press, 2009).

19- "France will ban all petrol and diesel vehicles by 2040", The Independent, 6 July 2017, Retrieved at: 11 July 2017.

20- Krueger, Alain B. and Grossman Gene M (1995), "Economic Growth and the Environment", Quarterly Journal of Economics, 110, 353-77. World Bank, 2008. World Bank Group Official Web Page. [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org).

21- Sands, Philippe, Litigating Environmental Disputes: Courts, Tribunals and the Progressive Development of International Environmental Law, available at: <http://www.oecd.org/investment/globalforum/40311090.pdf>

22- Bahrain-United States of America Bilateral Investment Treaty, available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/IIA/CountryBits/>

23- China-Chile Free Trade Agreement, available at: <http://fta.mofcom.gov.cn/chile/xieyi/freetradexieding2.pdf>

24- Energy Charter Treaty, available at: [http://www.europarl.europa.eu/meetdocs/2014\\_2019/documents/itre/dv/energy\\_charter/\\_energy\\_charter\\_en.pdf](http://www.europarl.europa.eu/meetdocs/2014_2019/documents/itre/dv/energy_charter/_energy_charter_en.pdf)

25- IISD Model International Agreement on Investment for Sustainable Development, available at: <http://fta.mofcom.gov.cn/chile/xieyi/freetradexieding2.pdf>

26- Kiobel et Al v. Royal Dutch Petroleum Company et Al, Supreme Court of the United States, April 2013, available at: [https://www.supremecourt.gov/opinions/12pdf/10-1491\\_16gn.pdf](https://www.supremecourt.gov/opinions/12pdf/10-1491_16gn.pdf)

27- North American Free Trade Agreement, available at: <https://www.nafta-sec-alena.org/Home/Texts-of-the-Agreement/North-American-Free-Trade-Agreement>

28- Pulp Mills on the River Uruguay, Argentina v. Uruguay, 2010, Judgment of 20 April 2010, available at: <http://www.icj-cij.org/files/case-related/135/135-20100420-JUD-01-00-EN.pdf>

29- Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with

respect to Activities in the Area, 1 February 2011, available at: [https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/cases/case\\_no\\_17/17\\_adv\\_op\\_010211\\_en.pdf](https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/cases/case_no_17/17_adv_op_010211_en.pdf)

30- Rio Declaration on Environment and Development (1992), available at: [http://www.unesco.org/education/pdf/RIO\\_E.PDF](http://www.unesco.org/education/pdf/RIO_E.PDF)

31- Stockholm Declaration on the Human Environment, available at: <http://www.un-documents.net/aconf48-14r1.pdf>

32- Treaty between the Federal Republic of Germany and the Republic of Kenya concerning the Encouragement and Reciprocal Protection of Investments, available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/1350>

33- Treaty Between the United States of America and the Oriental Republic of Uruguay Concerning the Encouragement and Reciprocal Protection of Investment, available at: <http://investmentpolicyhub.unctad.org/Download/TreatyFile/2380>

34- Tribunal upholds Ecuador's environmental counterclaims in ICSID arbitration, Global Arbitration News, <https://globalarbitrationnews.com/20150811-tribunal-upholds-ecuadors-environmental-counterclaims-icsid-arbitration/>

35- UNCTAD, Investor-State Dispute Settlement and Impact on Investment Rulemaking, (New York and Geneva: United Nations. (2007).